

## نقش مدیریت ریسک در اقتصادهای در حال تحول (اقتصاد دانش)

دکتر مهدی فتح اله، رییس موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### ایران

رکود جهانی، تحولات سریع فناوری در کسب و کارهای دانش بنیان، شکننده شدن بازارهای صادراتی به جهت تحریم غرب و اجرای سیاست هدفمندی یارانه ها از جمله حوادث مهم اقتصادی سال های اخیر می باشند که ضرورت توجه به مدیریت ریسک در توسعه کسب و کارهای دانش بنیان را بیشتر می طلبد. هدف از طرح مدیریت ریسک در این حوزه، شناخت انواع ریسک ها، در راستای آماده سازی حوزه های کسب و کارهای دانش بنیان جهت کمک کردن اثرات ناخوشایند احتمالی عوامل محیطی دور و نزدیک بر روند رو به رشد این نوع کسب و کارهاست. چرا که ریسک ها بخشی از واقعیات های اینگونه کسب و کارها می باشند و فعالین این حوزه گریزی جز رویارویی با خطرات احتمالی پیش رو تولید و صادرات کالاها دانش بنیان ندارد و لازم است که به مدیریت ریسک به عنوان یکی از عوامل انگیزشی در توسعه کسب و کارهای دانش بنیان نگریده شود.

با عنایت اینکه تعداد عظیمی از افراد جویای کار کشور را فارغ التحصیلان دانشگاهی تشکیل می دهند، توسعه اینگونه کسب و کارها منافع بسیار زیادی را از نظر اشتغال زایی، کسب درآمدهای ارزی و ارتقاء سطح استاندارد زندگی شهروندان به همراه دارد. در مقابل اینگونه کسب و کارها همیشه با ریسک هایی همراه است. ریسک ها در حوزه کسب و کارهای دانش بنیان را می توان به دو نوع مالی و غیر مالی طبقه بندی کرد. ریسک های مالی شامل بی ثباتی نرخ ارز، سیر صعودی نرخ تورم، عدم چارچوب مشخص سیاست های اعتباری و تامین مالی می باشد. ریسک های غیر مالی شامل تغییرات سریع فناوری، تحریم غرب در انتقال دانش فنی در حوزه کسب و کارهای دانش بنیان، نیاز به سرمایه گذاری هنگفت در امور تحقیق و توسعه، تلاش در حفظ پویایی در تولید محصولات جدید، سوابق اندک تجاری در دسترسی به بازارها جدید حوزه دانش بنیان و سرمایه گذاری هنگفت و مستمر در بخش تحقیق و توسعه و بی ثباتی در قوانین و مقررات به ویژه در حوزه موانع تعرفه ای و انتقال فناوری دانست.

مدیریت ریسک را می‌توان فرایند و سازکارهای منطقی و حساب‌شده‌ای دانست که با شناسایی، تحلیل، ارزیابی نا اطمینانی‌ها به منزله مدیریت تهدیدات و فرصت‌ها به شمار می‌رود تا ضمن بهره‌گیری از مزایای فرصت‌ها، خسارت‌های احتمالی در جریان توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان را به حداقل رساند. آنچه واضح است مدیریت ریسک کسب و کارهای دانش‌بنیان کشور را می‌توان به عنوان فرایندی با دو مرحله مجزا تعریف کرد: (۱) شناسایی و تحلیل ریسک‌های تولید و صادرات کسب و کارهای دانش‌بنیان (۲) توسعه روشهای مقابله با ریسک و ارائه راهکارهایی جهت تعدیل ریسک‌های شناسایی شده.

در حال حاضر بازار جهانی کالاهای دانش‌بنیان بیشتر محدود به چند کشور می‌باشد. تعداد ۲۰ کشور حدود ۹۱ درصد از صادرات جهانی کالاهای هایتیک را به خود اختصاص می‌دهند که از نرخ ترجیحی دسترسی به بازار جهانی در قالب سازمان تجارت جهانی برخوردارند. ضمن اینکه تنوع محصول هم به سرعت در حال تغییر و تحول می‌باشد. این امر حضور شرکت‌های دانش‌بنیان کشورمان در صحنه رقابت جهانی که از تجربه‌چندانی نیز برخوردار نمی‌باشند با چالش‌هایی مواجه می‌کند.

در حال حاضر تعداد کالاهای هایتیک<sup>۱</sup> قابل مبادله در سطح جهانی بالغ بر ۳۲۰ قلم کالا می‌باشد و تعداد بازارهای صادراتی شامل ۱۳۰ کشور می‌باشد که در نقاط مختلف جهان پراکنده می‌باشد. در این میان تعداد کالاهای صادراتی هایتیک ایران حدود ۱۱۵ قلم کالا به ارزش ۶۱۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۹ بود که به ۶۲ کشور صادر شده است.

از آنجائیکه محرک اصلی پیشرفت کسب و کارهای دانش‌بنیان را طرح‌ها و ایده‌های خلاقانه مهندسان و مبتکران تشکیل می‌دهند، تجاری‌سازی ایده‌ها در شرایطی که اقتصاد جهانی به سمت افزایش رقابت و کاهش انحصارات در حوزه دانش‌بنیان حرکت می‌کند و کسب و کارهای دانش‌بنیان کشور به طور عمده جدید و نوزاد می‌باشند خواه نا خواه در ابتدای فعالیت، بسیار حساس و آسیب‌پذیر هستند و به دانش و تجربه مدیریتی، دسترسی آسان کارآفرینان به منابع مالی کافی و انعطاف‌پذیر و فضای مناسب کسب و کار دانش‌بنیان نیازمند هستند. این در حالی است که بازار داخلی به دلیل بالابودن موانع تعرفه‌ای کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز حوزه کسب و کارهای دانش‌بنیان، فقدان سیاست مشخص انتقال و تبادل دانش فنی با کشورهای پیشرو و درجه

<sup>۱</sup> کالاهای هایتیک عمدتاً در محصولات صنایع دانش‌بنیان می‌باشند.

پایین آزادی کسب و کارها با ریسک‌هایی جهت توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان مواجه می‌باشد لذا کارکرد مدیریت ریسک در استمرار فعالیت توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان حیاتی است. بر این اساس آموزش‌های کاربردی و مشاوره‌های تخصصی و بالابردن سطح آگاهی‌ها در حوزه مدیریت ریسک برای کارآفرینان جوان کشور ضروری و مهم قلمداد می‌شود.

همانگونه که اشاره شد راه اندازی کسب و کار دانش‌بنیان جدید که محصول آن قابلیت تجاری سازی دارد، با ریسک‌های زیادی مواجه است. یکی از راهکارهای منتج به مدیریت ریسک، تقویت زیرساخت‌های توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان نظیر پارک‌های فناوری و مراکز رشد است. در واقع مراکز رشد فناوری به مدد ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای تا حدودی برخی عوامل ایجادکننده ریسک را دفع و یا قابل تحمل‌تر می‌سازند و از این طریق به ماندگاری و اقتصادی کردن کسب و کارهای دانش‌بنیان کمک می‌نمایند. در این خصوص ایجاد نظام کارایی پارک‌های فناوری و مراکز رشد کشور در توسعه کسب و کارهای جدید ضروری است.

همچنین توانمندسازی<sup>2</sup> نظام بیمه‌ای کشور در رونق کسب و کارهای جدید دانش‌بنیان بسیار موثر است. فعالان کسب و کارهای دانش‌بنیان کشور در صورت برخورداری از یک نظام کارآمد بیمه‌ای که ضمن فراهم کردن محصولات بیمه‌ای بیشتر، راهکارهای وسیع‌تر و بیشتری را برای امور مالی ریسک در اختیار فعالان حوزه کسب و کارهای دانش‌بنیان قرار دهد، بدون تردید، فعالان این حوزه را در مواجهه با مشکلات و درگیری‌های ناشی از محیط تجاری داخلی و خارجی (به سرعت تغییر و تحول می‌یابد و از مخاطرات ناشی از پیچیده شدن دایمی اقتصاد جهانی) نیرومند خواهد ساخت. افزایش مجموعه‌ای از مهارت‌ها برای ارائه خدمات بیمه‌ای در جهت مدیریت ریسک یکی از انگیزه‌های پیش‌برنده و توجیه‌کننده کسب و کارهای جدید دانش‌بنیان است.

در این راستا تلاش دولت در ایجاد و توسعه شرکتهای ریسک پذیر (Capital Venture) جهت ایجاد ضمانت‌هایی برای توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان از دیگر راهکارهای پیشنهادی است.

---

<sup>2</sup> Empowerment